

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نوشته: کریستیان بوخهولتس  
و کلاودیا هایت

ترجمه از پورتال AA - AA  
14 سپتمبر 2008

## "قوای المان باید از افغانستان خارج گردند"

(بخش اول)

بروشیوری از "حزب چپ" المان زیر عنوان بالا، بدست ما رسید، که چون به واقعیت های تلخ موجود در افغانستان تماس میگیرد، تصمیم گرفتیم که قسمتهای از آنرا ترجمه کرده، از نظر خوانندگان ارجمند پورتال بگذرانیم. این حزب با همکاری تعداد زیاد انجمن ها و اشخاص صاحب رسوخ، زیر چتر "جنبش صلح"، به تاریخ 20 سپتمبر 2008، تظاهراتی را مبنی بر تقاضای خروج عساکر المانی از افغانستان، در برلین و شتوتگارت برپا میکند. سال گذشته نیز به ابتکار این جنبش، به تاریخ 15 سپتمبر، چنین تظاهرات برپا گردیده بود.

### قوای المان در افغانستان چه میکنند؟

در خزان امسال موضوع تمدید مأموریت قوای المان در افغانستان، جهت تأیید به پارلمان فدرال المان پیش میگرد.

اردوی المان در "هوم پیج" خود ادعاء میکند که:

« قوای ایساف بنا بر وظیفه ای که از طرف سازمان ملل متحد برایش سپرده شده، در جهت تأمین حقوق بشر، در جهت ایجاد و تأمین امنیت، در جهت انتقال مواد امدادی بشردوستانه و در جهت تأمین معاودت منسجم پناهندگان، به حکومت افغانستان یاری میرساند.»

"چپ ها" موضوع را از نگاه دیگر می بیند:

ناتو میخواهد که قوای خود را بصورت دائمی در افغانستان مستقر گرداند، چون این سرزمین نظر به موقعیتش در قبال شرق نزدیک، آسیای مرکزی، روسیه و چین از اهمیت ستراتیژیک برخوردار میباشد. حکومت فدرال از طریق مأموریت خود در افغانستان، نیز چانس برای المان می بیند، تا در عرصه سیاست جهانی قد علم نماید. "جنگ" مگر برای اکثریت مردم افغانستان، فقر بیحد بزرگ بار آورده و باعث خطرات جانی و حیاتی آنها میگردد.

تلویزیون ARD (شبکه اول تلویزیون دولتی المان) ضمن یک نظریه به اثبات میرساند که: 86 درصد مردم المان مخالف مأموریت قوای عسکری المان در خارج بوده و 55 درصد المانها طرفدار خروج فوری عساکر المان از افغانستان میباشد. این بروشیور دلایلی را ارائه میکند، که مطابق به آن اردوی المان باید اشتراک خود را در جنگ افغانستان، به پایان برساند. این بروشیور باثبات میرساند، که خروج فوری و بدون قید و شرط قوای عسکری، یگانه راهیست که به مردم افغانستان کمک مینماید.

### افسانه "اعمار مجدد"

باید پرسید که قطعات ناتو و امدادگران بازسازی، چه سود و منفعتی را برای افغانان بار می آورند؟ متأسفانه که قسمت اعظم بیلاانس، منفی است.

فقط یک قشر متمول از اشغال افغانستان نفع برمی‌دارد و تنها برای همین هاست که زندگی در کابل حالت نورمال را بخود گرفته. در عین حال تهدیدات اجتماعی و نظامی که دامنگیر اکثریت افغانان میباشد، رو به تزايد نهاده است. رشد اقتصادی، از فقر سرسام آور نمی‌کاهد. سازمان ملل متحد ضمن گزارش انکشاف جهانی خود که به نام (Human Development Index) یاد می‌گردد، تنزلی را نسبت به سال 2004، تثبیت کرده است.

کرایه یک خانه کوچک پیش از اشغال، پنجاه (50) دالر بود، که امروز به 1500 (یکهزار و پنصد) دالر بالا رفته. از جمله سی میلیون افغان، 6،6 میلیون آن در حالت فاقه و گرسنگی بسر می‌برند. از برکت تهاجم غریبان، نصاب سواد آموزی کلانسالان از 28،7 در سال 2005، به 23،5 درصد نزول کرده. اوسط عمر در همین مدت از 44،5 به 43،1 سال پائین آمده است.

فقر روزافزون بسا انسانان را مجبور ساخته که فرزندان خود را به عوض اینکه به مکتب بفرستند، به کار بگمارند. تأمینات صحی ناقص بوده و غالباً بالاتر از توان مادی اهالی میباشد. مردم در شهرهایی نظیر کابل و یا قندهار، بخاطر موجود نبودن بدررفت درست، مبتلا به بیماریهای مهلک گردیده اند. تنها ده درصد مردم روزانه برای چند ساعت برق دارند. دستگاههای جدید تولید برق بیشتر برای حکومت، اردو، شرکتها و مؤسسات خارجی می‌چرخند.

صدها هزار افغان از مناطق جنوبی و شرقی افغانستان فرار کرده اند. لاقلاً 80000 (هشتاد هزار) نفر ایشان در وضع رقتباری بسر می‌برند، در حدی که زمستان را زنده سر گذشتانده نخواهند توانست.

## رنج زنان

زنان بزرگترین رنج ناشی از سیاست اشغالی را متحمل می‌گردند. بسا زنان بمانند سابق، بغیر از در یوزه گری و روسپیگری، به مشکل کار دیگری برای خود می‌یابند. عروسی های اجباری در حال تزايد است. آمار نشان میدهد، که 65 درصد از جمله بیشتر از 50000 بیوه زن کابل، مرگ را بر چنین زندگی ترجیح میدهند. تنها زنان ثروتمند در شهرهای بزرگ، وضعی بهتر از دوره طالبان دارند. برای اکثر زنان خالی از خطر نیست که بدون مرد، خانه خود را ترک کنند. از همین سبب است که زنان از امدادهای قلیلی که عرضه می‌گردد، به مشکل میتوانند بهره بگیرند. تأمینات صحی بدو دلیل ناکام است. یکی بخاطر وضع خراب امنیتی و دیگر بخاطر مصارف گزافی که ایجاب میکند. تنها 52 درصد زنان شهری و فقط 9 درصد زنان روستائی میتوانند از کمکهای طبی در هنگام زایمان بهره مند گردند. در هر 29 دقیقه یک زن افغان حین وضع حمل جان میسپارد. 20 درصد اطفال قبل از رسیدن به پنج سالگی، می‌میرند. بسا زنان بخاطر وضع اختناق آور و دپرسیونی که دارند، به تریاک پناه می‌برند. متخصصان نصاب زنان تریاکی را 20 تا 30 درصد کل زنان افغان تخمین میکنند.